



اکثر روایات تفسیری ائمه(ع) به تفسیر قرآن به قرآن اختصاص دارد

قرآن خود را «تبیان لکل شیء» معرفی می کند، این نکته می تواند مبنایی برای تأیید رویکرد تفسیر قرآن به قرآن از سوی خود قرآن تلقی شود و با نگاهی به روایات تفسیری منقول از ائمه(ع) متوجه می شویم که اکثریت قریب به اتفاق این روایات به تفسیر قرآن به قرآن اختصاص دارد.

قرآن خود را «تبیان لکل شیء» معرفی می کند، این نکته می تواند مبنایی برای تأیید رویکرد تفسیر قرآن به قرآن از سوی خود قرآن تلقی شود و با نگاهی به روایات تفسیری منقول از ائمه(ع) متوجه می شویم که اکثریت قریب به اتفاق این روایات به تفسیر قرآن به قرآن اختصاص دارد.

سیدرحیم سادات هاشمی، پژوهشگر مجمع جهانی شیعه شناسی، در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با اشاره به رویکردهای تفسیری مورد پذیرش ائمه(ع) عنوان کرد: یکی از عمده ترین تلاش های ائمه معصومین(ع) مقابله با مکاتب و افرادی بوده که قرآن را به رأی خویش تفسیر می کرده و به این روش دامن می زدند.

سادات هاشمی تفسیر به رأی را به معنای حمل پیش فرض های ذهنی مفسر بر آیات قرآن دانست و گفت: برخی از افراد، رسوبات فکری خود را که تحت تأثیر مذاهب فکری خود در اذهانشان ته نشین شده است، در تفسیر آیات قرآن به کار می گیرند و معنای آیات را به نفع آنچه خود می اندیشند، مصادره می کنند.

وی با بیان این که نهی از تفسیر به رأی از سوی همه ائمه طاهریین(ع) صورت گرفته، افزود: اهل بیت(ع) در مقابله با این جریان و به منظور جلوگیری از انحراف در تفسیر آیات قرآن، آنان را به سمت خود قرآن هدایت کرده و بر تفسیر قرآن به قرآن تأکید کردند؛ چرا که قرآن خود گفته که «تبیان لکل شیء» است و اگر قرآن بیانی روشنتر برای همه امور است، پس روشنی آن بیش از هر روشنی دیگری است و به روشنایی دیگری نیاز ندارد و این نکته می تواند مبنایی برای تأیید رویکرد تفسیر قرآن به قرآن از سوی خود قرآن تلقی شود.

سادات هاشمی همچنین با تأکید بر این که قرآن در همه دوران ها و اعصار برای بشر سخن دارد، بیان کرد: امام صادق(ع) در این زمینه می فرماید: «171# القرآن یجری کما یجری الشمس و القمر كلما جاء منه شیء وقع؛ قرآن همچون حرکت روزمره خورشید و ماه در طبیعت همواره در جریان است و هیچ گاه کهنه نمی شود و همیشه روشنی بخش است.

وی در ادامه اظهار کرد: نه تنها ائمه طاهریین(ع) قرآن را به قرآن تفسیر می کرده اند، بلکه ایشان سخنان خود را نیز به قرآن مستند می کرده اند؛ همچنان که امام باقر(ع) به اصحاب خود فرمودند: هرگاه من حدیثی گفتم دلیل آن را از قرآن از من بخواهید، و این عبارت شریف نشان دهنده این است که در قرآن بیان و روشننگری برای هر امری موجود است. این سخنی است که ما یقیناً به آن معتقدیم، اما در مقام اثبات نیاز به پژوهشی گسترده از سوی افراد صاحب اندیشه دارد.

پژوهشگر مجمع جهانی شیعه شناسی با بیان این که اکثر قریب به اتفاق روایات تفسیری منقول از ائمه(ع) به تفسیر قرآن به قرآن اختصاص دارد، افزود: ائمه معصومین(ع) همواره بر این نکته تأکید کرده اند که «171# من فسر القرآن برأیه فلیتوبء مقعده من النار؛ هر که قرآن را به رأی خود تفسیر کند، جایگاهش را در آتش پیدا می کند».

سادات هاشمی در ادامه با ذکر مثالی گفت: شخصی نزد امام معصوم(ع) آمد و از ایشان درباره معنای واژه «171# صمد» در سوره توحید سؤال کرد و امام(ع) در پاسخ او آیات «171# لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» را قرائت فرمودند. ایشان در واقع ایشان با استفاده از خود آیات قرآن، به معنای واژه «171# صمد» اشاره کردند یا به تعبیر دیگر قرآن را به وسیله خود قرآن تفسیر کردند.

وی با اشاره به آیه شریفه «171# وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر/7) عنوان کرد: البته برخی از مسائل در قرآن ذکر نشده است، اما بیان پیامبر گرامی اسلام(ص) و ائمه(ع) در این زمینه کفایت می کند. برای مثال هر چند درباره تعداد رکعات نمازها در قرآن سخنی گفته نشده، اما به دلیل این که پیامبر گرامی(ص) آن را تعیین کرده اند، عمل کردن به آنچه ایشان فرموده اند، واجب و ضروری است.

سادات هاشمی همچنین با اشاره به حدیث ثقلین خاطرنشان کرد: ما معتقدیم ائمه(ع) نه از پیامبر(ص) جدا هستند و نه از قرآن و همگی نوری واحدند، بنابراین هر چند اهل بیت(ع) بسیاری از روایات تفسیری را نیز از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده اند، اما به حکم

این که سخنان ایشان از سخنان نبی اکرم(ص) جدا نیست و دستور خداوند مبنی بر دریافت معارف از ایشان بر سخنان حضرات ائمه(ع) نیز جاری است، آنچه در تفسیر قرآن گفته‌اند، چیزی جدای از قرآن نیست.